نویسنده:پیکار پامیر
۲۰۱۵ /۱۰/۳۱

وقایع افغانستان از ۲۰۰۱ تا ۲۰۱٤ میلادی

(بخش دوم وسوم)

عوامل پشت پردۀ حادثۀ یازده سپتمبر

طوریکه درصفحات ِقبلی نیزتذکرداده شد، تعدادی ازشخصیت های علمی – سیاسی، منابع ونشریه های معتبرِجهان ِغرب، نظرات و استدلالهای شان را درجهت ِمخالف ِسخنها و اقدامات ِکاخ سفید ابرازنمودند. مثلاً، پروفیسور مایکل چوسودوسکی، طی نگارش مقاله یی که در شمارۀ اپریل ۲۰۱۳م " گلوبل ریسرچ " توأم با عکسی به نشررسید و دراین عکس، جورج بوش را در حال ِبوسیدن ِدهن ِمَلک عبدالله پادشاه سعودی نشان میداد، چنین نوشت: " استثناآتی درگفتار و کردارجورج دبلیو بوش بملاحظه میرسد، آنگاه که جورج بوش، پادشاه عربستان سعودی را با احترام تمام می بوسد، چه معنی را میرساند؟ یعنی کشور حامی تروریسم، هیچگاه از سوی " اف. بی . آی " مورد سؤظن قرار نمیگیرد. . . در اینجا یک رابطۀ سیاسی جدید با یک دولت حامی تروریسم، تحت نام بخش ِ نورمال جدید یا " تروریست خوب " شکل می گیرد. . . این، از سوی مملکتی شکل میگیرد که میخواهد دموکراسی امریکایی را به سراسر جهان گسترش دهد..."
پروفیسورمایکل، مقاله اش را چنین ادامه میدهد : " وقتی جان کری {وزیرامورخارجۀ امریکا} موافقتش را برای کُمک رسانی به النصره { سازمان تند رو اسلامی } در سوریه ابراز میکند، معنی اش پیوسته گی با القاعده است . بنابرآن، در این میانه، موضوع " **تروریست خوب " و " تروریست بد** " مطرح است ..." (٥)
روزنامۀ " نیویارک تایمز" نیزمطالب جالبی را درعین ماه و سال، پیرامون نزدیکی های جورج بوش با بن لادن و خانوادۀ او، چنین به نشر رسا نید : " بوش ها { بوش پدرو بوش پسر) از دیر زمان با او رفیق بوده اند. .. درعین حال می شنیدیم که اسامه بن لادن " موجود بد " و " دشمن درجه یک " است . اما وقتی با اعضای خانوادۀ مغز متفکر تروریسم، معاملۀ بازرگانی صورت میگیرد، دیگر هیچ چیزی غلط پنداشته نمیشود. مثلاً، با سلیم بن لادن و شفیق بن لادن برادران اسامه بن لادن...این، شامل پروژۀ تروریست های خوب است. جورج بوش (پدر) سابق رییس جمهور امریکا، فقط یک روز قبل از حادثۀ یازدهم سپتمبر، با شفیق بن لادن سرمایه دار بزرگ، عضو کمپنی " کارلل گروپ " و برادراسامه در هوتل " رتس کارلتن دیدار میکند..."
" پرس تی وی " درماه سپتمبر۲۰۱۳م ازقولِ " سیمورهرش " یکی ازخبر نگارانِ ارشدِ رسانه های اصلی امریکا نوشت که " ... اینکه خانوادۀ بوش با خانوادۀ اسامه بن لادن، یعنی کسی که گفته میشود این حملۀ تروریستی را انجام داده تجارت داشته است. درحقیقت خانوادۀ بن لادن در هیأت مدیرۀ شرکت نفتی بوش حضور داشته است، چطور ممکن است که از میان ملیاردها خانواده ای که روی کرۀ زمین وجود دارد، همان خانواده ای که این حملۀ خونین را علیه امریکایی ها انجام داده با رییس جمهور این کشور مناسبات تجاری داشته باشد؟ به عقیدۀ من، این ماجرا توطئه ای از سوی امریکایی ها برای براندازی دولت ایالات متحده و رویکار آوردن آنچه حکومت پلیسی خوانده میشود و همچنین دستیابی به جاه طلبی های امپریالیستی امریکا برای فریفتنِ خاور میانه و به چنگ آوردن ِتمامی منابع انرژی آن بوده است "
"گیلبرت اخگر" یکی ازمدرسان ِامورسیاسی و روابط بین المللی دردانشگاه پاریس کتابی را به تحریر درآورده بنام " برخوردِ بربریت ۱۱ سپتامبر و ایجاد بی نظمی نوین ِ جهانی" و در بخشی ازآن کتاب چنین مینگارد : " به طور قطع

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

یازدهم سپتمبر، شرایط سیاسی را برای واشنگتن فراهم آورد که این کشور را مصمم به گسترشِ امور نظامی کرد، گسترشی که بدون حادثهٔ یازدهم سپتمبر امکان پذیر نبود . . . و آن چیزی نبود جز بهانهٔ جنگ علیه تروریسم ..."
"گلوبال ریسرچ "، مطالبی را باساس مقالهٔ یکی از محققان بنام " ویلیم ارکن "منتشرهٔ لوس انجلس تایم به نشررسانید که ترجمهٔ بخشهایی ازآن را در اینجا درج میکنیم :
" ریشهٔ انکشافات وتوانمندیهای کنونی وزارت دفاع امریکا درجنگ مخفی علیه تروریسم، برمیگردد به سال ۱۹۷۹ میلادی، یعنی به حادثهٔ گروگان گیری دیپلوماتهای امریکا در ایران. پس ازآن بود که ارتش {امریکا} دهلیزی را بازنمود تا ازآن طریق جمع آوری اطلاعاتِ مخفی بصورت مستقل از سایر منابع اطلاعاتی امریکا و بوسیلهٔ عملیات پنهانی میسرشده بتواند. درعین حال، دستوراتِ کهنه درقالبِ جنگِ پنهانی جدید جا داده شد. دو نیروی خاص و مشترکی که قبلاً درمبارزه علیه مواد مخدر منهمک بود، درجهت جنگ علیه تروریسم بکارگرفته شد. ساختارمشترک مربوط به جنگِ مخفی وزارت دفاع در پایگاه کارولینای شمالی، بعنوان قوای خاص و مشترکِ عملیاتی باقی ماند و ترجیح داده شد بنام " دلتا فورس" نامیده شود. فرماند هی این قوای خاص بعهدهٔ یک تن از قوماندانهای دوستارهٔ ارتش بنام میجرجنرال " دل . ال. دیلی " میباشد که غالباً در ارتباطِ جنگِ افغانستان، در عمان بسر میبَرد و درانظارِ عامه حاضر نمیشود. ... وزارت دفاع امریکا مصروف ایجاد یک ارتش مخفی ممتاز با امکانات گسترده است...هواپیما ها وکشتی های جاسوسی درحال فعالیت ضد تروریستی وکنترول بر"محورشرارت" هستند... رامسفلد در ماه می گفت " وظیفهٔ ما اینست تا دشمن را قبل از آنکه اقدام علیه ما داشته باشد، شناسایی و نا بود سازیم... "
پروفیسورمایکل چوسودوفسکی همچنان گفت : " **یازدهم سپتمبر سال ۲۰۰۱، " مبارزهٔ جهانی علیه تروریسم " را بمیان آورد، طوریکه بهانه یی شد برای امریکا و متحدانِ نا تویی اش تا این مبارزه را به یک جنگِ بدون مرز مبدل نماید... "**
این موضوع را بخصوص اظهارات " دونالد رامسفلد " عضو برجستهٔ محافظه کاران نوین و وزیر دفاع امریکا در ادارهٔ جورج بوش، خوبتر تأ ییید مینماید که درهمان شب و روزگفت : " **اگرجنگ، نقشهٔ سیاسی جهان را تغییر ندهد، ایالات متحدهٔ امریکا به اصلِ مقصدِ خویش نایل نخواهد شد، باید گفته شود که ارزش بزرگی در این تغییرضروری نهفته است ..."** (٦)
افشأ این مطالب میرساند که ایالات متحدهٔ امریکا مصمم است نه تنها افغانستان، بلکه سراسرجهان را با استفاده ازچنین نیروی مخفی وخطرناک، آنهم به بهانهٔ جنگ علیه تروریسم، تحت کنترول خویش درآورده هرفرد، جمع یا رژیمی را که مخالفِ خواسته ها و اهدافِ سیاسی خویش تشخیص دهد، بصورت عاجل و بدون درنظرداشتِ قوانین و اصالیبِ انسانی و بین المللی، به نابودی بکشاند.

تردید ها و بررسی ها راجع به فرو ریزی بُرج های نیویارک

نوعِ فروریزی دو برجِ یکصد و ده طبقه یی شهر نیویارک، بحدی غامض، پیچیده و سؤال برانگیز بودکه درسالهای بعد، تحلیل های علمی دقیق تری ازسوی کارشناسانِ امریکایی و غیر امریکایی درکشورهای مختلفِ جهان صورت گرفت و این تحلیلگران و کارشناسان، خواستند با شرح و تفسیرِ مدلل ثابت نمایند که این عملیاتِ خونین، ناشی از طرح و برنامهٔ خاص و مخفی عالی ترین مقام های سیاسی و امنیتی امریکا بوده است. همچنان، به تعداد دوصد تن از ورزیده ترین و مجرب ترین پیلوت های امریکایی پس ازحادثهٔ نیویارک، جلسهٔ بررسی و گفت و گو تشکیل داده و در پایان این جلسه، یک بیانیهٔ رسمی و مشترک به نشر رسا نیدند که میگفت " طرح کوبیدنِ برج های نیویارک توسط هوا پیما، از عهدهٔ پیلوت های مبتدی و کم تجربه خارج است ." آنها در بیانیهٔ رسمی خویش اضافه کردند که " امریکا امکان و تکنالوژی پیشرفته را داردکه بتواند هوا پیما را بدون پیلوت به پرواز درآورده و به هر هدفی که بخواهد اصابت دهد..."
آنانیکه تجاربِ کافی آتش سوزی دربرجهای بزرگ و انفجارها را دارند نیز گفتند که دو برج شمالی و جنوبی، نمیتوانسته درعرضِ زمانِ کوتاهی (بین ٥٦ تا ۱۲۰ دقیقه) سقوط کرده باشد و چگونه ممکن است چند ساعت بعد، یک

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولـئ

ساختمانِ شماره ۷که درفاصلهٔ یک بلاک قراردارد و موردِ اصابتِ هوا پیما هم قرارنگرفته است، به شکل مشابه منهدم شود و چطور ممکن است این برج ها به گرَد و غبار تبدیل شوند؟
مهندسان و معمارانِ مجربِ جهان تذکر دادند که به هیچ صورت امکان ندارد ساختمانی که درآن بمبی ازدرون منفجر نشده باشد، این طور به صورت عمودی سقوط کند و به هیچکدام از ساختمان های مجاور آسیب نرسد.
یکی دیگر از نویسنده گانِ شهرت یافتهٔ فرانسوی بنام " تیری ماری ددیدیه میسان" هم کتابی به طبع رسا نیده است تحت عنوان " **نیرنگِ هولناکِ ۲۰۰۲** " که در قسمتی ازآن، پا را فرا ترگذارده چنین افشا گری میکند : " در حقیقت مرکزِ تجارتِ جهانی در امریکا موردِ اصابتِ موشکهای ارتش امریکا قرار گرفت . . . این حادثه، یک کودتای داخلی بود که منجر به نظامیگری کاملِ دولت امریکا گردید..." (۷)
یکی ازمتخصصینِ امریکایی بنام " **جم هافمن**"، درنتیجهٔ یک تحقیقِ خاص در مورد یازدهم سپتمبر مینگارد : " **مواد منفجرهٔ کشف شده در گرَد و خاکِ مرکزِ تجارتِ جهانی نشان میدهد که از مواد آتش زای " نانوترمیت" در فرو ریختاندنِ دو آسمان خراشِ شهرِ نیویارک استفاده بعمل آمده است. وقتی ذراتِ قرمز، اکسید آهن و الومینیوم در دستگاهِ مخصوص مشتعل ساخته شدند، گرمازای بالا و اما محدودی از خود بیرون دادند و به دمای ۴۳۰ درجه ی سانتی گراد که بسیار پایین تر از دمای استندردِ درجهٔ حرارتِ احتراقِ ترمیتِ متعارف است، رسید. کره های غنی از آهنِ بسیار زیادی به وضوح در باقیمانده های احتراق این ذراتِ قرمزِ خاکستری خاص دیده میشد. مشخص شد که بخشِ قرمزِ این ذراتِ موادِ ترمیتیک عمل نکرده با انرژی بسیار بالاست ...**" (۸)
"کورت سانانفیلد" یکی ازفلمبرداران "سازمانِ مدیریت در شرایط اضطرار" و مدیرِ بخشِ عملیاتِ رسانه ای همین سازمان که بسیار زود در " نقطهٔ صفر" یا محلِ انفجارحاضر شده و اسنادِ تصویری دقیقی تهیه نمود، میگوید : " من ویدیویی در اختیار دارم که نشان میدهد تلِ سنگها و آجرهای ناشی از تخریبِ این ساختمان تا چه اندازه ریز{کوچک} بودند و اینکه چگونه ساختمان های دو طرفِ آن در هنگامِ سقوطِ ساختمانِ شماره هفت، دست نخورده باقی مانده بودند."
فلمبردارِمذکور، بعداً مورد پیگردِ شبکه های اطلاعاتی امریکا قرارگرفت و مجبور شد به کشور ارجنتاین فرار نماید.
پروفیسور " استیون جونز " نیز طی نگارش یک مقالهٔ تحقیقی با صراحت گفت که " تا پیش از ۱۱ سپتامبر۲۰۰۱، هیچ ساختمانی {درجهان} با اسکلت فولادی، دراثر آتش سوزی فرو نریخته است . " وی علاوه نمود که ساختمانهای موردِ بحث، با استفاده از مواد منفجرهٔ قوی مانند ترمیت ونانوترمیت که ترکیبی ازاکسید آهن و پودرِالمونیم بوده و آهنِ مذاب تولید میکند، فرو ریختانده شده اند.
"**ویلیام رُدریگوتس** " که مدتِ بیست سال وظیفهٔ حفاظت از برجِ شمالی را بعهده داشت و در موقع حادثه، در طبقهٔ اولِ برج حضور داشته است، اظهار داشت که او و ده ها تن ازهمکارانش، صدای انفجار های زیادی را از زیر زمین برج شنیدند و شاهد مردی بودند که آتش گرفته بود و از لفت یا آسانسور طبقهٔ پایینی به سمت بالا حرکت میکرد و همینکه از لفت خارج شد، به سرعت دوید. درمیان مواد باقیمانده ازآسمانخراش، رودخانه ای از فولاد ذوب شده ملاحظه شد. همهٔ این شواهد حاکی از وجود انفجار های هدفمند است... "
همچنان، کارشناسان گفتند که " **درسال ۲۰۰۵م**، درآزمایشاتی که برروی مواد حاصل از فرو ریزی برج ها صورت گرفت، **مادهٔ نانوترمیت کشف شد. نانوترمیت مادهٔ قابل انفجاریست که در دمای ۲۷۰۰ درجه عمل میکند. یا بعبارهٔ دیگر، ازاین مواد درذوب کردنِ پایه های عظیم فولادی دو آسمانخراش استفاده بعمل آمده است ."**
محققان، تحلیلگران و کارشناسان اظهارداشتند که هیچگونه علامت و نشانی از یک هوا پیمایی که به عمارتِ وزارت دفاع امریکا اصابت کرده باشد، بملاحظه نرسید. تنها کمره یا دوربینِ مربوط به پارکنگ لاتِ آن وزارت، شئی ای را در یک هالهٔ دود نشان میداد که به سرعت به سمت پنتاگون درحرکت است. " **دکتر راس** " اززمرهٔ نویسنده گانِ سرشناسِ امریکایی همچنان گفت که " ... ازجمله شواهدی که برمبنای آن میتوان گفت این یک حادثهٔ ساختگی بوده، زمانی است که یک فلمبردار ازهفته نامه ای کوچک در پنسلوانیا به محلِ سقوطِ این هوا پیمای مسافر بَری (محل وقوع واقعهٔ ۱۱ سپتمبر) رفت و گفت : " من اثری از هوا پیمای مسافربَری ندیدم. یک حفره روی زمین دیدم، هیچ جسدی نبود، هیچ گونه ساک و چمدانی نبود..."

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

آقای " راس " علاوه میکند که " یک هوا پیمای مسافربَری با ساختمانِ این سازمان { عمارت وزارت دفاع امریکا } برخورد کرده است، اما این بار نیز اثری از لاشهٔ هوا پیما نبود... گزارشگرانی که در اتاق خبر پنتاگون کارمیکنند به محلِ حادثه رفتند، ولی از هوا پیمای مسافر بَری اثری ندیدند..." همین نویسندهٔ امریکایی میگوید که میتوانید آنچه را معماران و مهندسان در بارهٔ حقیقتِ ۱۱ سپتمبرنوشته اند، بخوانید، میتوانید اصلِ ما جرا را از زبان اولین شاهدانی که در برج های مرکز تجارت جهانی حضور داشته اند، بشنوید، میتوانید نظر خلبانان { پیلوتان } دربارهٔ مانور هوا پیمای مسافر بَری که گفته میشود به پنتاگون بر خورد کرده است را بخوانید، اینکه این مانورها فراتر از مهارت های آنان بوده و از سوی یک خلبان با تجربه انجام شده است. میتوانید به کتابهای متعدد دیوید گریفن رجوع کنید، میتوانید فلم ریچارد گیج ... را تماشا کنید، میتوانید گزارشهای بین المللی دربارهٔ ۱۱ سپتمبر را مطالعه بفرمایید، اما خود را برای خواندنِ مطالبِ رسانه های جریان اصلی به زحمت نیاندازید..."

تحلیلگرانِ سیاسی امریکا و جهان، انگیزهٔ اصلی و عمدهٔ رویدادِ یازدهم سپتمبرشهر نیویارک را دربحبوحهٔ بحرانِ عمیقِ مالی ایالات متحدهٔ امریکا جُست وجومینمایند. مثلاً، میگویند اقتصاد امریکا پس ازثبات و شگوفایی چندساله که دردورانِ ریاستِ جمهوری رونالد ریگان آغاز و تا اواخر دورانِ ریاستِ جمهوری جورج بوش (پدر) و " بل کلنتن " دوام کرد، قبل ازحادثهٔ یازدهم سپتمبرنه تنها پایان یافت، بلکه بُحرانِ مالی این کشور به سرعت سیرِ صعودی پیمود. چنانکه بازار بورسِ امریکا سقوط کرد و تا سال ۲۰۰۱ میلادی، بیشترازسه تا چهارتریلیون دالر راازدست داد. یا بعبارهٔ دیگر، تعداد زیادی ازسرمایه دارانِ بزرگ، دراثرِ سقوطِ بازارِ بورس، سرمایه های شان را ازکف دادند و موازی بدان، تولید صنایع بزرگ نیز به سرعت سیر نزولی یافت. این موضوع موجب آن گردید که هزاران هزارکارگرِکارخانه های بزرگ بیکارشوند ومیزان بیکاری از سه درصد تا شش وحتا هفت درصد بالا رود. به قول تحلیلگران، دست و پاگیرشدنِ همین بحرانِ بزرگِ مالی بود که حلقاتِ بالایی واما، پشتِ پردهٔ ابرقدرت امریکا را واداشت تا ترفندِ حادثهٔ یازدهم سپتمبر را بکاربسته و با لشکر کشَی و اشتعالِ جنگ درافغانستان و عراق، هم افکارِ عامهٔ کشور را از اصلِ بُحران منحرف سازند و هم بتوانند ماشین اقتصاد ورشکستهٔ امریکا را با خونِ صد ها هزار انسان افغانی و عراقی و . . . دو باره به گردش در آورند. باید علاوه نمود که محافظه کاران در واشنگتن، نه تنها از راه لشکرکشَی و خونریزی و ویرانگری، ماشین اقتصادِ بُحران زدهٔ امریکا را به گردش در آوردند، بلکه با استفاده ازاقداماتِ سیاسی- نظامی و تبلیغاتی پیش خزنده، توانستند تیرِاستراتژی جهانی شان را به سوی هدف های مورد نظر نیز پرتاب نمایند.

این نکته نیز نباید فراموش گردد که طرحِ " گلابلایزیشن " یا (نظم نوین جهانی) امریکا که ازدههٔ نودِ سدهٔ رفته برسرِ زبانها افتاد و درحقیقت، جهانی سازی حاکمیتِ سرمایه را تداعی میکند، درواقع، با عبور ازمیانِ بُحران های بزرگ و توفان های خون و خاکستر، به سوی هدف میشتابد. یا بعبارهٔ دیگر، طراحانِ" نظم نوین جهانی " پنهان نکرده اند که بخاطررسیدن به مرحلهٔ جهانی شدنِ سرمایه، نخست باید درنقاطِ موردِنظرِجهان، یا درکشورهای موردِ هدف، بُحران سازی نمود و آنگاه که بُحران به حد کافی عمیق شد و گسترش یافت، بایستی بالای آن مدیریت نمود. از همین راه و با همین وسیلهٔ خونین است که امریکا میخواهد به یک چنین "نظم " جهانی نایل آید. این سیاستِ جدیدِ امریکا، پس از رویداد های بالکان، برای نخستین بار درافغانستان بکارگرفته شد. تعدادی از تحلیلگرانِ ورزیدهٔ امریکایی مانند " کوین بارت " که خود، عضو هیأت تحقیق دربارهٔ فاجعهٔ یازدهم سپتمبر بوده، مینویسد که " **به راه اندازی فاجعهٔ یازدهم سپتمبر، گشودنِ فاز جدیدی در سیاست خارجی امریکا برای " مبارزه با انقلاب های ضد استعماری این کشور درآسیا و خاور میانه" ، " مقابله با نهضت های انقلابی اسلامی"، رواج پروژه اسلام هراسی در جهان" و " فراهم ساختنِ زمینهٔ ایجاد و پرورش گروه های تروریستی حافظ منافع امریکا" و اهدافی در جهت سناریوی اسراییلی – امریکایی بود. "** (۹)

تحلیلگرانِ دیگری اظهار داشتند که امریکا پس ازدورانِ جنگِ سرد و حذف کمونیسم، اسلام گرایی را تنها مانع بالقوه و درعین حال، بهترین بهانه برای تحکیمِ سلطهٔ جهانی خود قلمداد مینمود و به این جهت، تنها به یک بهانه برای خفه کردنِ سلول های تنفسی اسلام گرایی در سرتاسر جهان و سپس تصاحب دنیا، نیاز داشت...

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

تحلیگران و نویسنده گانی که پس از حادثهٔ یازدهم سپتمبر درنشریهٔ انترنتی " انتی وار" یا ضد جنگ مقاله به نشر رسانیده اند، با صراحت گفته اند که " بطور یقین دولت امریکا طراحِ اصلی حادثهٔ ۱۱ سپتمبر و زمینه سازِ اجرای آن بود. اسناد و مدارکِ موجود نیز موید این ادعا ست. چطور میتوان باور کرد که امریکا بعنوان مدعی دراختیار داشتن فناوری برترِ اطلاعاتی، رسانه ای و ارتباطی، در خصوصِ چرایی علل و قوعِ این حادثه با ابهام روبرو باشد ؟ "
"ملتن فریدمن" که بنام پدرِاقتصادِ سرمایه داری جهانی یاد میشود، سخنانی دارد که بخشی ازآن را داکترعزیز گردیزی نویسندهٔ کتاب " عدم موفقیت طرح ها و سیاستهای جامعهٔ جهانی درافغانستان "، چنین نقل میکند : " ...آنچه که میتواند به تحول و دیگر گونی منجرشود، بُحران است. وقتی بحران پیش آمد، بقیه اقدامات وابسته بفکر و طرحی میباشد که از قبل درجریان بوده و شکل گرفته است ." (۱۰)
نویسندهٔ موصوف علاوه میکند که : **" در گرما گرمِ بُحران بایستی برای سیاستهای موجود، گزینه ها را انکشاف داد و آنرا تا زمانی زنده نگهداشت که یک حالتِ ناممکنِ سیاسی به وضعی در آید که دیگر اجتناب نا پذیر باشد. مهم این است که بُحران پدید آید، فرق نمیکند که این بُحران زادهٔ توطئه و زد و بندِ عالمِ سیاست با شد و یا سوانح {جمع سانحه } و حوادث طبیعی آنرا بار آورده باشد. باید سریع دست اندرکار شد و جامعهٔ بُحران زده را مجبور به قبولِ تغییرات و تحولاتِ برگشت نا پذیر ساخت و نگذاشت که در دامنِ قهرِ حالتِ موجود سقوط کند..."** (۱۱)
" نیکولای مالئشوسکی" نیز یکی دیگر ازمحققانی است که طی بررسی هایش، سوالهای زیادی را پیرامونِ چگونه گی فرو ریزی برج های شهر نیویارک مطرح نموده است. مطالبِ منتشر شدهٔ این محقق را یکی ازهموطنان بنام " ۱.م. شیری" ترجمه نموده و در یکی از وبسایت های برون مرزی افغانها به نشر رسا نیده است که اینک، گوشه هایی از آنرا در اینجا درج میکنیم :
" ایالات متحدهٔ امریکا(مثل اتحاد شوروی سابق) دارای سیستم گستردهٔ ماهواره ای و رد یابی هوا پیما دراراضی خودمیباشد که نه تنها ازسوی برجهای مراقبت هواپیمایی، حتی بواسطهٔ سیستم ویژه ای نیز اداره میشوند. آنها تحت کنترولِ سازمانهای امنیتِ ملی امریکا بوده و با شبکهٔ تلفنِ معمولی که هکرها بتوانند به عملیاتِ پیچیده دست بزنند، ارتباطی ندارد. "
نویسنده اضافه میکند که : **" حیرت انگیزترین این است که از ربوده شدنِ یازده یا چهارده هوا پیما بدستِ تروریستها خبرداده میشود و درعین حال، پس از ربوده شدنِ چهارهواپیما، پروازها چهل تا شصت دقیقهٔ دیگر نیز ادامه دارد. در طول این مدت، خارج شدنِ آنها از مسیرهوایی، خود وضعیتِ فوق العاده ای پیش می آورد و گزارش آن مستقیماً به " بالا " به رییس جمهور امریکا داده میشود. چرا در این مورد گزارش نشده است؟ بعنوان یک معمای حل ناشده تا امروز باقی مانده است.** ممکن است یافتنِ پاسخِ چند سوال زیر به حلِ این معما کُمک نماید:
چگونه هوا پیماهای مسافری می توانستند ازدیدِبرجهای مراقبتِ فرود گاه ها و سیستم ردیابی پدافند هوایی نیرو های نظامی امریکا " پنهان " شوند ؟ اگرهمهٔ آنها دیده میشدند، دراین صورت، چرا نه سرویس زمینی غیرنظامی و نه نظامی نسبت به انحراف هواپیماها ازمسیر خود واکنش نشان ندادند؟ چرا در حالیکه پاسپورتِ کاغذی تروریستِ رباینده هواپیما بطورسالم بدست آمده، ولی جعبه های سیاهِ مقاوم در مقابلِ ضربهٔ مافوقِ قوی حاوی اطلاعاتِ پرواز وهمچنین، مکالماتِ پروازبخاطرغیرقابل استفاده بودن، محتوی هیچگونه اطلاعاتِ قابلِ فهم نیستند؟ چه کسی از طبقاتِ بالایی برجهای دوقلوی مرکزتجارت جهانی تا زمانِ برخورد ودرلحظهٔ برخورد هوا پیمای" بوئینگ -۷٦۷" وابسته به شرکت هواپیمایی " امریکن ایرلاینس" فلمبرداری میکرد؟ چرا چند دوربینِ فلمبرداری سینمایی و تلویزیونی مستقر در مناطقِ مختلفِ نیویارک، گویی با یک فرمان، بطور همزمان بر روی نقطهٔ برخوردِهواپیما تمرکز کرده بودند؟ به چه دلیل دولتِ امریکا بمدیریتِ جورج بوش، حتی قبل از آغازِ تحقیقات دربارهٔ این عملیاتِ تروریستی، درست همان روزِ حادثهٔ ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱، به کُمک نمایشهای مغرضانهٔ همهٔ رسانه های جمعی امریکا، دربارهٔ **" دشمن واقعی "**، افکارعمومی جامعهٔ جهانی را بسوی تروریست شماره یک **{ اسامه بن لادن }** جلب کرد؟ چرا دولت امریکا ازقبولِ پیشنهادِ کُمکهای انساندوستانهٔ پزشکی وفنی روسیه و سازمانهای خارجی بسیارِ دیگر و شخصیتهای حقیقی امتناع کرد؟ چرا مردم امریکا و کنگرهٔ ایالات متحدهٔ امریکا بعنوان مدافع منافع آن، خواستارِ استعفای رهبری نهاد های فدرالِ مسوولِ امنیت ملی نشدند؟ چرا مدیرِ مسوولِ پرواز های همان روز در

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

امریکا، (ژنرال رالف ابرهارت) نه فقط به مسوولیت جلب نشد، حتی موقعیتِ خود را استحکام هم بخشید؟ چرا رییسِ سازمانِ سیا پس از این شکستِ آشکار، ازکاربرکنار نشد؟... چرا دو برج که درساختِ هر یک از آنها در حدود پنجصد هزار تن بتون آرمه بکار رفته، عملاً بخاکسترتبدیل شدند؟ کدام انرژی این همه مصالح ساختمانی را به معنای واقعی کلمه به پودر تبدیل کرد و چنین درجهٔ حرارتِ غیرِقابل تصور سه هزاردرجه (بیش ازدرجهٔ حرارت آتشفشان) را تولید کرد وموجبِ سوختنِ بقایای برجها درمدت سه ماه دیگر گردید؟ ... هم متخصصان اروپایی و هم امریکایی براین باور اند که ساختمانهای مرکزتجارت جهانی نه دراثر برخورد هوا پیماها، بلکه درنتیجهٔ انفجاراز داخل به قطعات کوچک تقسیم شدند ..."

سازنده گانِ فلم امریکایی (تغییرسرگردان ۹/۱۱) اظهار میدارند: " برجهای دو قلوی نیویارک دراثر انفجارمخازنِ سوختِ هوا پیما ها درصبح ۱۱ سپتمبر۲۰۰۱ درساختمانها تخریب نشدند، برجها را سازمانهای امنیتی امریکا ویران کردند. "

گزارش هایی ازطریق نشریه های الکترونیکی به نشر رسیدند مبنی براینکه یک محققِ فرانسوی،علی رغم وضع محدودیت هایی که ازسوی مقامهای امریکایی صورت میگرفت، کتابی به رشتهٔ تحریردرآورده که اسرارِ پشتِ پردهٔ انفجاردوآسمانخراشِ شهرِ نیویارک را بگونهٔ مستند افشا مینماید. او گفته است : **" همیشه برایم سوال بود که چگونه سه برجِ عظیمِ مرکزِ تجارتِ جهانی، ناگهان به تلی ازخاک مبدل شدند؟ ... چگونه آتشِ کوتاه مدت و با درجه ی پایین توانست تیرهای فولادی برجها را به ناگهان فرو بریزاند؟ ... صداهای انفجارکه از طبقاتِ پایینِ برجها به ثبت رسیده، براثر منفجر شدنِ چه چیز هایی بوده است؟"**

این محققِ فرانسوی گفته است که : **" در ابتدای تحقیقاتم به مدارکی مبنی بر وجودِ نانوترمیت که یک ماده ی آتشزا و انفجاری پیشرفته بوده و میتواند به سرعت، فلزات را ذوب کند، درخرابه های برجهای فروریخته دست یافتم که نشان میداد این مواد، اشتعال زا بوده اند که باعثِ تخریبِ طبقاتِ پایینی برجها شده است... این برجهای دوقلو، دوماه قبل از حادثه، توسط یک اسرائیلی به مبلغ بسیار گزافی خریداری شده و بلافاصله، پس ازعقد قرار داد، آنها را به دو چند قیمت بیمه میکند. شخص خریدار یک ثروتمند یهودی است..."**

اومی افزاید: " نکته ی قابل توجه دیگر، اخراج کلیه نگهبانان و محافظانِ این دو برج بود. مدارکِ استخدامی نشان میدهد که همه نگهبانانِ برجها قبل از حادثه، تغییر کرده اند وفقط کسانی در سِمَتِ شان باقیمانده اند که از نقشهٔ برج آگاهی داشته اند. یعنی کسانیکه نقاطِ ضربه پذیر و مناطقِ حساسِ برج را بخوبی می شناختند و جالبتر اینکه در میانِ اینان، متخصصانِ بمب گذاری نیز وجود دارند... دلیل دیگر آنکه درهمان روز، یک موتر که پنج اسرائیلی درآن بودند، در نیوجرسی دستگیرشدند. این پنج نفر، روزِحادثه درحالِ فلمبرداری از فرو ریختنِ برجهای دو قلو بودند و آنها فندک (لایتر) های خود را روشن کرده و مقابل دوربین درحال خوشحالی کردن و جشن گرفتن بودند. آنها بدون محاکمه، به اسرائیل برگردانده شدند. افرادِ مذکور در یک برنامهٔ تلویزیونی اعتراف کردند که آنها ماموریت داشتند تا حملاتِ یازدهٔ سپتمبر را مستند کنند...این سوال همیشه در اذهان باقی مانده است که چرا به رغم اینکه در برج های دوقلو، چهارهزار یهودی کار میکردند، ولی در روز یازدهم سپتمبر، درمحل کارحاضر نبوده و بنابرآن هیچ کدام شان کشته نشدند..." (۱۲)

"گلوبال ریسرچ " درشمارهٔ ماه سپتمبر۲۰۱۳م خویش ازقولِ اندیشمندان و کارشناسانِ امریکایی نوشت : " حادثهٔ یازدهم سپتمبر، چطور درموجودیتِ شبکه های اطلاعاتی حکومت، نه تنها مانند (سی.آی.ای) و (اف .بی.آی)، بلکه شانزده شبکهٔ دیگراطلاعاتی امریکا درواشنگتن، متحدانِ ناتویی این کشورمانند موساد اسراییل، شورای امنیت ملی(ان. او. آر.ای. دی)، فرماندهی نیرو های مشترک، ادارهٔ کنترول ترافیک هوایی، گاردِ امنیتی میدان هوایی، کاخ سفید، کانگرس و غیره، صورت گرفت ؟ چطورهمهٔ دستگاه امنیتِ ملی امریکا فلج گردید؟ "

نشریهٔ مذکورپس ازطرح این سوال، علاوه میکند که پنجاه سال را احتوا نمود تا مردم امریکا دخالتِ حکومت درکودتای ضد دکترمصدق درایران را فهمیدند، اما امروزبا سپری شدنِ چنان مدتِ دراز ضرورت نیست تا مصنوعی بودنِ انفجارآسمانخراش های نیویارک را بدانیم. این، تنها یک دهه پس از حادثهٔ نیویارک است که واقعیت ها بیرون می زنند.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

"دکترکراکت گراب" نیز یکی دیگر از دانشمندانِ برجستهٔ امریکایی است که اقدام به نگارشِ کتاب بنام " فریب ملی درمورد مرکز تجارت جهانی" نمود و درآن، حادثهٔ فروریزی دو آسمانخراشِ شهر نیویارک توسط " القاعده " را زیرسوال بُرد. وی طی نگارشِ کتابِ دیگری زیرعنوان " اناتومی کشتار های جمعی "، پیرامونِ مرگِ مشکوک وسؤال برانگیزِ نزده تن ازشاهدان و حقیقت گویان درمورد حادثهٔ یازدهم سپتمبرپرداخته ازآن ها این چنین نام می بَرَد: جنینگز،بورلی اکارت،کنت یوهانمن،،کریستوفرلندیس،پل اسمیت، ژنرال دیوید ولرلی،سالواتور پرینکیوتا، دبوراپالفری،باربارا اولسن، مایکل اچ اوران،دیوید گراهام،برتاچامپین،نانسی هملیتون،سوزان جوین، پری . وبت ، کوسینیچ،دیویدکلی،پرساناکلهشتی ،سناتورپل ولستون.

دراسنادِ منتشر شده آمده است که شخصیت های بالا ازسوی " **آژانس امنیت ملی امریکا** " سربه نیست شده اند.علاوتاً گفته شد که آژانسِ متذکره، غرض خاموش نگهداشتن حقایقِ مربوط به حادثهٔ یازدهم سپتمبر، ازراه های سانسورِ نامه های الکترونیکی، وبسایتها، فیس بُکها، کتابها، سکاییها وسایر نشراتِ صوتی، تصویری و نوشتاری، درتلاش بوده است .

نکته یی که مردم افغانستان و جهان را درمورد گفتار تا کردارِ مقام های امریکایی مشکوک و متردد گردانید، این بود که گزارشهایی به کرات از درونِ نیرو های نظامی امریکا و دیگرمنابع به بیرون درزمیکرد که گفته میشد، مقام های آن کشور درظاهرِامر، شعارِ تعقیب یا دستگیری اسامه بن لادن را سر میدادند، ولی در اصل، نمیخواستند او را دستگیر نمایند. چنانکه حتا درهمان سال ۲۰۰۱م و در بحبوحهٔ بمبارانِ تونل های " توره بوره" توسط طیاره های غول پیکر امریکایی که منطقه کاملاً در محاصرهٔ همه جانبهٔ نیرو های ضد طالبان قرارگرفته بود، فرماندهانِ نظامی امریکا، راه را برای فرارِاسامه بن لادن، ملاعمر، ایمن الظواهری و سایر رهبرانِ تروریستی بسوی خاک پاکستان بازگذاشتند. منابع مطلعِ دیگر، ازجمله نویسندهٔ کتاب " **افغانستان آخرین نسل کُشی صلیبیون**" اظهار داشتند که قبل از وقوعِ حادثهٔ نیویارک، چندین کشورِ جهان، بخصوص سازمان جاسوسی اسراییل (موساد) به مقام های امریکایی هشدار داده بودند که حملاتی علیه این کشور در راه است. درهمین اثرآمده است که حتا در سال ۱۹۹۹ میلادی سازمان جاسوسی امریکا (سی.آی.ای) و مرکز تحقیقاتِ فضایی امریکا با استفاده ازمدرن ترین آلاتِ تخنیکی، نه تنها مکالماتِ اسامه بن لادن را گوش میکردند، بلکه کاملاً آگاهی داشتند که او درکجا بسرمی بَرَد. گفته شده که حتا زمانی که بن لادن درمزرعه یی بنام " ترنک " درولایت قندهار، همراه با همسران و اعضای خانواده اش بسرمیبُرد، سی.آی.ای از اوعکس و معلومات کافی داشت ویک تیمِ مختلطِ (افغانی – امریکایی) مطلع و مسلح نیزوظیفه گرفته وکاملاً آماده بودند تااین رهبرتروریستی را تقریباً به سهولت دستگیرنمایند، اما، مقام های صلاحیتدارِ امریکایی، آغاز وانجام این عملیات را با لیت و لعل باطل ساختند.

تحلیلگران علاوه نمودند که گزینشِ جورج دبلیو بوش به کرسی ریاست جمهوری امریکا و بقدرت رسیدنِ گروپِ محافظه کارانِ نوین درآنکشور، درحقیقت، مقدمهٔ اجرای همین سیاست ها و اقداماتِ جنگی ونظامی بود. " گورویدال"، یکی از نویسنده گانِ معتبرِ جامعهٔ امریکا چنین مینویسد: **" ریشه های این فاجعه {یازدهم سپتامبر} را باید در سیاست خارجی ایالات متحدهٔ امریکا جُست و جوکرد. ایالات متحدهٔ امریکا بعد از جنگ جهانی دوم، در یک جنگ دایمی با بسیاری از کشور های دیگرجهان قرار داشته است که در بسیاری مواقع به سر نگونی حکومتهای منتخبِ مردم انجامیده است و دیکتاتورهای خشونت کار وضد مردمی را به منظور حفاظت از منافع امریکا در کشور مربوطه به همراه داشته است . "** (۱۳)

همین نویسندهٔ امریکایی همچنان مینویسد: " پس از حمله ی تروریستی یازدهم سپتامبر، روزنامه ی (وال ستریت ژورنال) نوشت که **" در پشتِ سرِ بوشِ جوان، بوشِ سالخورده ایستاده است که درخدمت "کارلایل کارپوریشن" قراردارد. این شرکت، یکی ازبزرگترین پیمانکاران صنایع دفاعی امریکا میباشد. اگر ایالات متحده ی امریکا هزینه های دفاعی خود را به منظور متوقف ساختنِ فعالیت های تروریستی بن لادن افزایش دهد، "کارلایل کارپوریشن" و در نتیجه، خانواده ی ثروتمندِ بن لادن در عربستان و خانواده ی بوش {درامریکا} سود هنگفتی کسب خواهند کرد. "** (۱٤)

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

"انورمسعود" یکی ازروزنامه نگارانِ مشهور، طی نگارش یک مقالهٔ تحقیقی پیرامونِ حادثهٔ تروریستی یازدهم سپتمبر که در پایگاه تحلیلی " وترنز تودی" متعلق به افسرانِ متقاعدِ امریکا به نشر رسیده، چنین میگوید : " طرح حمله به افغانستان، پیش از یازده سپتمبر طراحی شده بود. . . مدارکِ قاطع حاکی ازآن است که طیاره {با} پرواز ۷۷ خطوط هوایی امریکا در ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱ به پنتاگون اصابت نکرده و قوانین علمی نیز گزارش رسمی ۱۱ سپتمبررا تکذیب میکند." روزنامه نگارِ مذکور در جایی از مقالهٔ خویش مینگارد : " شواهد و مدارک ِموجود نشان میدهد آنچه باعثِ صدمه دیدنِ ساختمانِ پنتاگون شد، راکت و یا مواد منفجره بوده و نه طیاره ..."

مؤسسهٔ تحقیقاتی " گلوبل ریسرچ" یک سندِ صوتی وتصویری را پخش نمود که درآن "جنرال وسلی کلارک" فرمانده اعلای ناتو حین سخنرانی دیده شده و با صراحت شهادت میدهد که " امریکا از قبل برنامه داشت تا کشور های عراق، سوریه، لبنان، لیبیا، سومالی، سودان و ایران را دگرگون سازد. " وی در این سخنرانی علاوه میکند که پنتاگون یا وزارت دفاع امریکا از طرح " جنگ علیه تروریسم "، اهداف آتی را در نظر داشت:

۱-اتهام بستن ِتروریستی به ملت هایی که میخواست آنها را تحت کنترول در آورد

۲- با ادامهٔ این پالیسی، میخواهد غرامت (باج) بدست آرد

۳- با این وسیله، بالای عملیات ِجنگی خویش غرضِ سرنگونی حکومت های مورد نظر سرپوش گذارد.

آنچه دربخش ِتطبیق ِعملی برنامه های پشتِ پردهٔ ایالات متحده نیازاست، وجودِ متحدان و پادو هایی چند ازنوع رژیم های پاکستان و عربستان در منطقه و جهان است که مقام های کاخ سفید از سالها بدینسو، آنها را دراختیار داشته اند. رژیم های متذکره، با دستور پذیری و سودجویی های مالی وسیاسی ازیکسو و کسبِ حمایت های ابرقدرت امریکا درسطح منطقه وجهان ازسوی دیگر، پیوسته نقشِ جاده صاف کنُ و آتش آورِمعرکه را برای امریکا ایفا کرده اند واین نوع خدمت گزاریهای آنان، بخصوص، از چند سال بدینسو در قبال ِافغانستان کاملاً مصداق یافته است .

یکی ازمحققینِ دلیرِامریکایی بنام " ایریک لورانت" ضمن شرح و بیان گوشه های مختلفِ این حادثه، پیرامون اسرارِ فروپاشی دو آسمان خراشِ نیویارک چنین مینگارد : " . . . کمپنی بزرگ مورگن ستانلی {مستقردریکی ازآسمانخراشها}، فقط سه روز قبل از وقوع حادثه ی انفجار، به مقدار دوهزار و یکصد و پنجاه و هفت سهم خود را بفروش رسا نید که در اثرِآن، مبلغ دو اعشاریه یک ملیون دالر بدست آورد. .. مریل لینچ یکی دیگر از غولهای سرمایه، در روز های ششم تا دهم ماه سپتامبر، به تعداد دوازده هزار و دوصد وپانزده سهم خود را بفروش رسانید که ازاین مدرک، مبلغ پنج ملیون و پنجصد هزار دالربدست آورد. . . یو نایتد ایرلاینز از این واقعه، پنج ملیون دالرحاصل نمود، چون به تعداد چهارهزارو هفتصد و چهل و چهار سهم را فقط به روز های ششم و هفتم سپتامبر بفروش رسا نیده بود. . . شرکت امریکن ایر لاینزنیز به تعداد چهار هزار و پنجصد و شانزده سهم خود را قبل از واقعه ی یازدهم سپتامبر بفروش رسانید که ازآن مدرک، مبلغ چهارملیون دالر سود بدست آور د (۱۵)

نتیجهٔ سایرِ تحقیقاتی که به نشر رسید، نکات آتی درآنها افشا گردید :

*** تعدادی از کارمندانِ عالیرتبهٔ وزارت دفاع امریکا، مسافرت های هوایی شان در روز یازدهم سپتمبر را قبلاً باطل نموده بودند.**

*** جورج دبلیوبوش، خلاف ِمعمول، درشبی که فردایش انفجاردرآسمانخراشهای نیویارک صورت میگرفت، بالای یکی از بام های مسطح ِ فلوریدا که مجهز با موشکهای زمین به هوا بوده و سخت ازآن حفاظت صورت میگیرد ، بسر می بُرد.**

*** دستگاه های زلزله سنج در دانشگاهِ مشهور کولمبیا، همزمان با انفجارنیویارک، تکانهای زلزله به درجه های یک اعشاریه دو و سه اعشاریه دو درجهٔ ریشتر را ثبت نمودند.**

*** یکی از کارمندان ِشرکت ِبرق " فیدوسیاری ترست" میگوید که به روز های هشتم و نهم ماه سپتامبر، جریان برق برای مدت سی ساعت قطع شد و طبعاً کامره های ایمنی هم از کار افتادند."**

*** یکی دیگر از محافظینِ برجها بنام " ویلیم رو دریگویز" میگوید که موازی با فرو ریزی برجهای مرکزِ تجارتِ جهانی، صدای انفجاراتی را از طبقات پایینی شنیدند.**

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولـئ

*** تصویری که برای اولین بار ازمحل ِانفجارِ پنتاگون به نشر رسید، اثری از هوا پیما درآن دیده نمیشد، بنابرآن، تحلیلگران میگویند که بجای هوا پیما، یکی از موشکهای کروز به دیوار عمارت عظیم پنتاگون اصابت کرده بود. چنانکه سنجش های دقیق ِعلمی مانند زاویهٔ اصابت، ارتفاع ِمحل ِاصابت، طول و عرض ِسوراخ دیوار وغیره نیزنظریهٔ بالا را تأیید میکند.**

*** مسوولیت ِامورِ امنیتی برجهای آسمانخراش، چند ماه قبل از حادثهٔ یازدهم سپتامبر، ازمحافظانِ قبلی سلب گردیده و در اختیار " مروین بوش" برادرجورج دبلیو بوش سپرده میشود و ده ها دلیل دیگر. (۱۶)**

*** "نیلس هاریت" رییس دیپارتمنتِ شیمی دریونیورستی کوپن هاگن گفت : " در میان گَرَد و غبار ناشی از تخریب و فرو ریختن ِبرجها، مادهٔ انفجاری " نانوتیرمیت" پیدا کرده اند که درانفجارِ خود حرارتِ ۲۵۰۰ درجه یی ایجاد نموده قادر است که فولاد را به آسانی ذوب کند. . . این مادهٔ انفجاری توسط هوا پیما ها انتقال داده نشده، بلکه در ساختمانها توسط کسانی جا بجا شده و به ستون های فولادی اساسی ساختمان بسته شده است و از راه دور منفجر کرده اند. "** (۱۷)

تحلیلگران ِسیاسی، درموردِ انتشارِاسمای نوزده نفری که بعنوانِ ربایندهٔ گان ِهوا پیما های امریکن ایرلاینزمعرفی شدند، نیزنکات و تذکرات ِشک برانگیزی را نشانی کرده اند. مثلاً، گفته اند که وقتی اسمای پیلوت های پرواز شماره (۱۱) و شماره (۱۷۵) اعلان میشود، چرا نام پیلوتی که گویا طیاره را به دیوارِ پنتاگون اصابت داده باشد، هرگز نشرنشد؟ همچنان می پرسند که چرا از جملهٔ نوزده تن " رباینده گان هواپیماها "، تاریخ ِتولد ِدوازده نفرو تابعیتِ هشت نفرآنها توضیح نشده است؟ تحلیلگران این نکته را نیزبیان داشتند که "عبدالعزیزالعمری" که اسمش شامل فهرست ِنوزده نفرربایندهٔ بود، ولی وی به روزشانزدهم ماه سپتمبر(چهارروز بعد ازواقعهٔ نیویارک) به کونسلگری امریکا درجده مراجعه کرده اعتراض میکند که چرا اسمش درجِ فهرستِ متذکره شده است ؟ و نیز، یکی دیگر ازشاملین ِلیست ِمنتشره بنام " ولید الشهری" گفته است، پس ازفرار گیری فن پیلوتی درامریکا، در ماه سپتامبر سال ۲۰۰۰ میلادی، آن کشور را ترک نموده است. یعنی به روز حادثهٔ نیویارک، نه درآنجا بوده و نه با حادثهٔ خونین یازدهم سپتامبر ارتباطی داشته است .

گفته شده که سازمانِ اطلاعات ِمرکزی امریکا (سی آی ای)، قبل از حادثهٔ یازدهم سپتامبر، طی راپورهای رسمی خود عنوانی مقام های کاخ سفید نگاشته بود که **" ازمطالعهٔ یافته های { مخفی} بر می آید که بن لادن در هفته های آینده، حملهٔ تروریستی را علیه اهداف امریکا و اسراییل به راه خواهد انداخت . "**

(سی آی ای) در راپورِخود گفته بود : **" ما به زودی مورد حمله قرار خواهیم گرفت"** پس، اگرچنین بود، این سوال با جدیت مطرح میشود که چرا کاخ سفید، پنتاگون و سایر حلقات ِصلاحیتدارآن کشور، علی رغم برخورداری ازهمه گونه امکانات ِدفاعی و امنیتی، نخواستند در این زمینه اقدام بازدارنده یی بعمل آورند؟

(ادامه دارد)

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ